



نگاه اصولگرا

ناصر ایمانی فعال سیاسی اصولگرا

تاسیس اندیشکده به نام رئیس‌جمهور استقلال رای را تهدید می‌کند

یک اندیشکده جدید را به نام مرحوم رئیسی توجیه‌پذیر می‌دانید و چه شاخص‌هایی باید برای سنجش ضرورت تأسیس چنین نهادهایی لحاظ شود؟

نکته دیگری که در مورد ایجاد اندیشکده‌ها باید در نظر گرفته شود، مبنای مالی تشکیل آنها است. در مورد بسیاری از این اندیشکده‌ها که در کشور با بودجه خزانه عمومی تشکیل می‌شوند، بحث‌های بسیاری داریم. در حالی که الان به شدت نیازمند کوچک شدن دولت، نه به معنای قوه مجریه بلکه در معنای بودجه عمومی کشور هستیم؛ بسیاری از این سازمان‌های پژوهشی و فرهنگی که کارکردی هم ندارند، بودجه‌های کلان دریافت می‌کنند. در واقع بخشی از کسری بودجه دولت ناشی از بودجه‌هایی است که این نهادها دریافت می‌کنند. سازمان‌های زیادی موجود است که هیچ کارایی ندارند و از بودجه عمومی ارتزاق می‌کنند و باید تعطیل شوند. از نظر من دولت آقای پزشکیان در این زمینه کوتاهی کرده است. اگر بگوییم یک سال اول به شناسایی فرایندها و اقدامات گذشت، در سال دوم و زمانی که خود رئیس‌جمهور هم به کوچک‌سازی دولت اذعان دارد، باید در یک پروسه زمانی بسیاری از این موسسات را که مستقیم به قوه مجریه مربوط نیستند اما از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند را تعطیل کرد. حال در این فضا که نیازمند کوچک‌سازی هزینه‌کردهای دولت هستیم، باید یک اندیشکده اختصاصی دیگر برای مرحوم رئیسی ایجاد کرد؟

«با توجه به ناکارآمدی برخی اندیشکده‌ها و فقدان اثرگذاری آنها بر اصلاح سیستم آموزش و سیاست‌های

این انتقاد به‌ویژه زمانی بر جسته می‌شود که مطالعه پژوهش‌های اندیشکده‌های ایران نشان می‌دهد، در سطوح بالای سیاستی از یک سو با وجود آنکه نسبت به نقش اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری دولت‌ها در ابعاد ملی و جهانی آگاهی لازم وجود دارد، اما از سوی دیگر اندیشکده‌های ایران در لحظات حساس و حیاتی، اثرگذاری لازم را ندارند.

برای نمونه پس از جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل، یک نشست تخصصی در خصوص بررسی عملکرد اندیشکده‌ها در جریان این جنگ با عنوان «اندیشکده‌ها چه کردند؟» برگزار شد. اظهارنظرهای مطرح‌شده در این نشست، حاکی از فقدان حضور کاربردی آنها در جریان جنگ دوازده‌روزه بود. کیومرث اشترینان، استاد علوم سیاسی در این نشست با اشاره به ارائه نشدن راهکار عملیاتی از سوی اندیشکده‌ها در این جنگ تأکید کرد که آنها باید خود را برای سازوینوسی و ارائه راهکارهای عملیاتی آماده می‌کردند و از حالت منفعلانه و انتظار کشیدن برای ورود بازیگران دیگر به فعالیت‌های اجرایی فاصله می‌گرفتند. رویکرد امنیتی اندیشکده‌ها، کمبود اطلاعات دقیق برای تحلیل، غافلگیری اندیشکده‌ها، کمبود تحلیل‌های تخصصی از جمله نقاط ضعفی بود که در نقد عملکرد اندیشکده‌ها، از سوی اندیشه‌ورزان این مجموعه‌ها اعلام شد. محمدرضا حدادی از اندیشکده حکمرانی امیرکبیر معتقد بود اندیشکده‌های آمریکایی و اسرائیلی در ارائه برنامه و سیاست به دولت‌هایشان در این ایام پیشرو بودند و اندیشکده‌های ایرانی باید نقش فعال‌تر و اجرایی‌تری را بر عهده می‌گرفتند.

این در حالی است که پژوهشکده مطالعات راهبردی در گزارشی به شناسایی و بررسی اندیشکده‌های تأثیرگذار بر سیاست دولت ترامپ در قبال ایران پرداخته است. بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، بنیاد هریتیج و موسسه هادسن سه اندیشکده‌ای هستند که به عنوان نهادهای تأثیرگذار در تصمیمات ترامپ در زمینه ایران داده‌های راهبردی به رئیس‌جمهور ایالات متحده ارائه کرده‌اند.

نیودیک به ساختار نظام‌مند در ارزیابی عملکرد اندیشکده‌ها در ایران، مسئله دیگری است که در نقد این نهادها وارد است. در حال حاضر هیچ نهاد مستقلی برای شناسایی، امتیازدهی و رتبه‌دهی اندیشکده‌ها در ایران وجود ندارد و اندیشکده‌ها خودشان به ارائه گزارش عملکرد سالانه می‌پردازند.

ناصر ایمانی، فعال سیاسی اصولگرا در گفت‌وگو با هم‌میهن معتقد است که تأسیس چنین نهادی می‌تواند استقلال رای و کارکرد واقعی اندیشکده‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و بیشتر به اقدامی جناحی و سیاسی تبدیل شود تا نهاد علمی اثرگذار.

«راه‌اندازی اندیشکده مرحوم رئیسی با انتقاداتی روبه‌رو شده است.

برخی معتقدند که تشکیل یک اندیشکده با نام یک چهره سیاسی مشخص استقلال رای را از آنها می‌گیرد و کارکردهای واقعی خود را از دست می‌دهند. با تشکیل اندیشکده به نام فرد تا چه اندازه موافق هستید و در شرایط کنونی کشور و با وجود اندیشکده‌های موجود چقدر تأسیس این نهادها ضروری می‌دانید؟

اساساً با تشکیل یک اندیشکده به‌ویژه اگر به نام مرحوم رئیسی باشد مخالفم. زمانی که اندیشکده‌ای تأسیس می‌شود، در مورد حکمرانی، برای مثال قوه مجریه به معنای عام، اینکه چه راهبردهایی داشته باشد، محل تأمل است و خوب است که چنین اقداماتی انجام شود. اما اینکه برای یک رئیس‌جمهور که شهید شده‌اند اندیشکده درست کنیم، تالی فاسدهایی دارد که به آن توجه نمی‌کنند و این حرکت به اقدامی جناحی و سیاسی تعبیر خواهد شد. همین اقدام منجر به این رویکرد خواهد شد که رؤسای‌جمهور بعدی هم حق دارند که برای آنها نیز چنین نهادی تأسیس شود اما نمی‌شود که به آرای هر رئیس‌جمهور یک اندیشکده در کشور درست شود.

«با توجه به کسری بودجه و ضرورت کوچک‌سازی دولت، آیا ایجاد

▼ نهادهای موازی، داده‌های محدود

در ضرورت تأسیس اندیشکده‌های جدید در حوزه‌های مختلف سیاستی، نقدهای فراوانی وارد است. به‌ویژه با رشد فزاینده این نهادها در یک دهه اخیر در ایران، نسبت به جایگاه اندیشکده‌ها در ایران و تأثیر آنها در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور ابهاماتی مطرح است: از نامشخص بودن جایگاه اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری‌های کلان گرفته تا محدودیت‌های بنیادی‌تر موجود برای این نهادها نظیر عدم دسترسی آزاد به داده‌های استراتژیک. با وجود ده‌ها نهاد موازی پژوهشی در ایران، این سوال بنیادین نیز مطرح است که افزودن یک اندیشکده حکمرانی دیگر قرار است کدام مسئله بنیادین را حل کند؟ آیا ایجاد یک نهاد موازی دیگر رقابتی برای ارائه ایده و راهکار خواهد بود یا تشکیلاتی رقابتی برای دریافت بودجه‌ای دیگر؟

از سوی دیگر رعایت اصل بی‌طرفی در ساختار اندیشکده‌ها مسئله مهمی است که بر نقد مصفانه و ارائه راهکارهای عاری از جانبداری اثرگذار است. تأسیس اندیشکده‌های وابسته به چهره‌های سیاسی و نهادهای حاکمیتی، احتمال اینکه گزارش‌های کارشناسی ارائه‌شده جنبه تبلیغاتی یا توجیه‌گرایانه پیدا کنند را پررنگ خواهد کرد.

مجید افشانی، مدیر بین‌الملل اندیشکده حکمرانی شریف معتقد است: «نهادهای غیردولتی و اندیشکده‌های مستقل می‌توانند نقش مهمی در تولید توصیه‌های سیاستی ایفا کنند، متأسفانه، در ایران این نهادها به اندازه کافی قدرتمند و تأثیرگذار نیستند و اغلب از فرایند تصمیم‌سازی کنار گذاشته می‌شوند. این در حالی است که در بسیاری از کشورها، اندیشکده‌های غیردولتی نقش کلیدی در شکل‌دهی به سیاست‌های خارجی دارند. برای مثال، در ایالات متحده، اندیشکده‌هایی مانند بروکینگز، رند و شورای روابط خارجی، تأثیر قابل‌توجهی بر سیاست خارجی این کشور دارند. در ایران، اما این نقش کم‌رنگ است و نیاز به تقویت دارد.»

▼ غیبت در لحظات حیاتی

در ایران، اثرگذاری اندک اندیشکده‌های حکمرانی به‌ویژه در حوزه‌های سیاسی، مورد انتقاد کارشناسان و فعالان سیاسی است.

می‌کنند. در واقع وضعیت حال کشور از نظر نظم و وضع موجود خود مؤید آن است که چقدر این اندیشکده‌های حاکمیتی و دولتی اثرگذار بوده‌اند.

«اندیشکده‌ها در ایران چقدر در تصمیم‌گیری‌های حاکمیتی اثرگذار هستند؟

اگر این اندیشکده‌ها تا به امروز تولید فکر و برنامه داشتند که منشأ اثر بود، وضع و حال کشور آنچه که اکنون شاهد آن هستیم نبود. زمانی که امروز با گذشت چندین سال و وجود اندیشکده‌های متعدد وضع و حال کشور در حوزه‌های گوناگون اینگونه است، نشان می‌دهد که کارکرد اندیشکده‌ها در حد همین وضع و حال بوده است. حال اگر مشخص شود که اندیشکده دیگری از محل بودجه عمومی بخواهد تأسیس شود و چار چوبی برای آن ایجاد کنند، در صورت ایجاد نیز تأثیری نخواهد داشت و تنها هدررفت بیشتر بودجه و بیت‌المال خواهد بود. در واقع اضافه کردن یک اندیشکده دیگر با یک بودجه دولتی، آن‌هم به نام فردی که برجستگی علمی و سیاسی خاصی

کشور، چه معیارهایی باید برای ارزیابی عملکرد و تصمیم‌گیری درباره ادامه یا قطع بودجه این نهادها در نظر گرفت؟

ما خروجی‌ها را نگاه می‌کنیم، مثلاً در زمینه آموزش عالی؛ ببینید چقدر اندیشکده داریم. البته منظور اندیشکده‌های خصوصی که بودجه دولتی ندارند نیست، بلکه آنهایی که از محل بودجه‌های عمومی ارتزاق می‌کنند و هزینه‌هایی برای دولت دارند. با این حساب خروجی فعلی این نهادها، وضعیت فعلی آموزش و پرورش و آموزش عالی را نشان می‌دهد. ممکن است بگویید که این نهادها کار خود را کرده‌اند، اما در داخل سیستم آموزشی، این سیستم نتوانسته کار خود را انجام دهد و از نتایج یافته‌ها و پیشنهادات اندیشکده‌ها استفاده کند. در نتیجه اندیشکده‌ها باز هم کارکرد ندارند، چرا که منجر به اصلاح سیستم نشده‌اند و باید سیستم اصلاح شود. وظیفه ملی در کشور ما الان این است که کسری بودجه تا حد امکان کم شود و یکی از نهادهایی که می‌تواند بار کسری بودجه را کم کند، همین اندیشکده‌ها با خروجی‌های غیرموثر و نامشخص است. البته نه همه آنها، بلکه برخی از آنها و مشخص شدن این برخی نیز باید براساس خروجی مشخص باشد و سپس بودجه آنها را کاهش داد. برای نمونه اگر اندیشکده‌ای در زمینه سیاست خارجی موفق عمل کرده و اثرگذار بوده، باید به فعالیت خود ادامه دهد، اما در شرایطی که اثربخشی و خروجی مشخصی ندارد، دست آنها باید از بودجه دولتی کوتاه شود.



با این حال، وزارت علوم ایران در تلاش برای طراحی نظام جامع فعالیت‌های اندیشکده‌ای در ایران است. مصطفی رستمی، رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها با اشاره به تلاش برای گسترش فعالیت اندیشکده‌ها گفته است نگاه این نهاد در تشکیل این اندیشکده‌ها، نگاهی عالمانه و مسئله‌محور است؛ نه صرفاً تکرار فعالیت‌های پژوهشی. او در ادامه افزود: «هدف اصلی، تقویت جریان حکمرانی نظام اسلامی و به‌کارگیری دانش و تجربه دانشگاهیان برای حل واقعی مسائل کشور است.»

▼ مسیر بی‌نتیجه

در نتیجه بررسی استقلال، شفافیت و کارآمدی اندیشکده‌ها ضروری است. آغاز به کار یک اندیشکده سیاسی دیگر، در شرایطی که ظرفیت اندیشکده‌های موجود هنوز به طور کامل در جریان سیاست‌گذاری‌های کشور به کار گرفته نشده است، می‌تواند محل بحث و بررسی باشد. حال آنکه آغاز به کار اندیشکده‌ای به نام یک رئیس‌جمهور به‌طور ذاتی این نهاد را وابسته به جریان سیاسی خاصی می‌کند و امکان تحلیل‌ها و ارائه راهکارهای بی‌طرفانه را سلب می‌کند. در حالی که اندیشکده در ذات خود به عنوان یک حلقه واسطه علمی میان دانشگاه، جامعه و سیاست‌گذار باید دارای استقلال فکری و عملی باشد، اما با رویکرد در پیش گرفته‌شده در ایران به‌ویترین قدرت تبدیل شده است. رشد سریع این قبیل نهادهای حکمرانی در حالی که اندیشکده‌های موجود نیازمند تثبیت جایگاه واقعی خود در فرایند سیاست‌گذاری هستند و با آن فاصله زیادی دارند، در کنار نبود یک نظام ارزیابی مستقل و شفاف، به اثرگذاری کارکرد آنها کمکی نخواهد کرد. اقداماتی از این دست صرفاً منجر به ایجاد فضای رقابتی درون جناحی و تبلیغاتی خواهد شد که جلوی رشد و فعالیت اندیشکده‌های مستقل و بی‌طرف را نیز خواهد گرفت. از سوی دیگر اندیشکده‌های تعلق به یک چهره و یا جریان سیاسی خاص، اعتبار علمی این نهادها را نیز دچار ابهام خواهد کرد، در نتیجه تأسیس اندیشکده‌های جدید-حتی با ادعای حل مسائل مدیریتی و حکمرانی- بدون اصلاح ساختار، تضمین استقلال، و ایجاد شفافیت در ارزیابی عملکرد، بیشتر به یک ابزار سیاسی برای تثبیت جایگاه افراد و جریان‌ها می‌ماند تا یک نهاد علمی موثر که حلقه واسطه میان نهاد دانشگاه و نظام حکمرانی است.

در نتیجه رصد و پایش خروجی اندیشکده‌ها فراهم است و مشخص خواهد شد که هزینه‌ها در جای درست خرج می‌شود و یا به نفع جریان و گروهی خاص. از آنجایی که چنین شرایطی را در کشور نداریم با تأسیس چنین نهادهایی هر چند که صورت و ظاهر مدرن و جدید دارند اما اغلب تنها منافع گروه‌های غیردموکراتیک ذینفع در حوزه اقتصادی و سیاسی را تأمین می‌کنند و خیرعمومی چندانی ندارند. این ادعا را می‌توانید با نگاه به وضعیت کنونی کشور ببینید و شرایط موجود گویای آن است که اندیشکده‌ها تا چه اندازه گویای وضع و حال کشور بوده‌اند.

«چه اصلاحاتی می‌توان در ساختار اندیشکده‌ها انجام داد تا نقش واقعی خود را در حل مسائل مدیریتی و حکمرانی ایفا کنند؟

امیدی به اصلاحات در این حوزه ندارم چرا که این یک امر جزئی در یک کل بزرگ است؛ به‌ویژه آن بخش از اندیشکده‌هایی که از نهادهای دولتی و حاکمیتی ارتزاق می‌کنند، تا کل سیستم رو به گشایش پیش نرود و دموکراتیک نشود و نظارت بر بودجه‌های عمومی کشور شفاف و نظارت‌پذیر نشود؛ عملاً هیچ‌گونه اصلاحاتی امکان‌پذیر نیست. اساساً این اندیشکده‌ها متعلق به سامانه‌های سیاسی مدرن و دموکراتیک هستند و اینکه در یک ساختار بسته به کار گرفته شوند در تعارض با تعریف مبنایی آن‌ها هستند.

گفتار پژوهشگر



تیشه نظارت استصوابی بر ریشه وحدت ملی

عبدالالدین بافقی در گفت‌وگو با جماران درباره اقدامات برای ارتقاء رضایتمندی مردم از نظام گفت: «می‌توان اقدامات زیادی که هیچ خرجی ندارند را انجام داد. فوری‌ترین و ملموس‌ترین تأثیر تحریم‌ها، اقتصادی است. همین الان هم مسئله فقر و گرانی و بیکاری کمر مردم را شکسته، اما باز هم می‌تواند وحدت ملی را نشکند و رضایتمندی را به صفر نرساند. البته در شرایط فقر و تحریم اقلیتی زالوصفت هستند که وضع‌شان بهتر می‌شود و رضایت دارند. اما آنچه بیش از همه جامعه را آزار می‌دهد بداخلاقی و بدرفتاری با آنان، دورویی و فساد و تبعیض است.» او ادامه داد: «بسیاری از مشکلات کشور بدون هزینه و با روش‌های بسیار ساده و آسان حل‌شدنی است. بسیاری از زخم‌ها به راحتی درمان می‌شوند، اما گویی رسم عده‌ای بر این است که زخم‌ها را عفونی و خطرناک می‌کنند. برای مثال، بسیاری از مخالفان و ناراضیان را اگر به جای زندانی کردن فقط دعوت کنند و ضمن احترام، نظرشان را بشنوند و هر جا درست بود بپذیرند و هر جا نادرست بود توضیح بدهند، بخش زیادی از مشکلات حل می‌شود. این کار نه‌تنها هیچ هزینه‌ای ندارد که آورده‌های بی‌شماری به دنبال خواهد داشت و موجب ایجاد حس اعتماد و همکاری خواهد شد. راز محبوبیت آیت‌الله منتظری نیز همین بود که در خانه‌اش به روی همه باز بود و او با حفظ مواضع و اعتقادات خودش حرف دیگران را هم می‌شنید و تعامل می‌کرد. مثلاً فردی مانند مصطفی تاج‌زاده را به جای اینکه صدا کنند و حرفش را نه از طریق رسانه‌ها که حضوری و خصوصی بشنوند، مکافات می‌دهند؟! به همین سادگی بخش بزرگی از مشکل حل خواهد شد. با همین روش بسیاری از قومیت‌ها در ایران احساس تعلق سرزمینی‌شان به شدت نیرومندتر خواهد شد. کافیس‌ت مهربانی کنید، به سخنان‌شان و انتقادات‌شان توجه کنید و وظیفه خود را در مقابل آنها انجام دهید.»

باقی درباره اقدامات برای تحکیم واقعی وحدت ملی گفت: «اول، باید فهم از وحدت ملی تصحیح شود. یک فهم درست از وحدت ملی خودش می‌گوید که چه باید کرد؟ در حال حاضر تصویری که از وحدت ملی و وفاق وجود دارد بر کاکل جناح‌های سیاسی می‌چرخد. از خود آقای پزشکیان تا دیگران، وقتی می‌گویند «وحدت ملی» نگاه‌شان این است که گروه‌ها و احزاب سیاسی به هم نزدیک شوند و دعوا نکنند، چیزی که نه ممکن است، نه مفید، چون احزاب و جناح‌های سیاسی تعیین‌بخش گرایش‌ها و افکار متفاوت در جامعه هستند. آن چیزی که در مناسبات بین آنها مهم است پرهیز از خشونت کلامی و تهمت و افتراست که این‌هم نامش وفاق نیست، بلکه التزام به قواعد حقوقی است. خشونت کلامی و تهمت و افترا اساساً جرم است؛ اینکه فکر کنیم وحدت ملی و وفاق یعنی تعطیل کردن این نوع بر خوردها فهم اشتباهی است.»

او ادامه داد: «وحدت ملی به معنی واقعی وقتی ایجاد می‌شود که شهروندان به‌رغم همه تنوعات و تکرر در گرایشات سیاسی و افکار عقایدشان، این جهت‌گیری متحدی با منافع ملی داشته باشند. این هم فقط وقتی میسر می‌شود که همه شهروندان، خودشان را در این سرزمین ذینفع ببینند. یکی از دلایل موج مهاجرت، گسستگی پیوند عاطفی با سرزمین است؛ به دلیل اینکه احساس می‌کنند در اینجا جایگاه شایسته و بایسته خود را ندارند و یا ذینفع نیستند.»

باقی در پایان گفت: «ایران ملک مشاع است و همه شهروندان با هر گرایش و مذهب و ملیت و جنسیت و سن و سال، حق و سهم مشترکی در آن دارند. وقتی یک شرکت سهامی تشکیل می‌شود کسانی که در آن سهم دارند، چه کم و چه زیاد، نگران سرنوشت شرکت هستند و همه وقایع آن را لحظه به لحظه دنبال می‌کنند در حالی که دیگران اصلاً برایشان مهم نیست و حتی به اصل وجود و عدم وجود آن شرکت هم فکر نمی‌کنند. نظارت استصوابی که در تضاد با قانون اساسی است دشمن شکل‌گیری احساس سپاهمدار بودن و مشارکت همگانی است و یکی از تیشه‌هایی است که بر ریشه وحدت ملی زده شده، رانت و حامی‌پروری و ویژه‌خواری ایجاد کرده، شایسته‌سالاری را به فرومایه‌سالاری بدل کرده و منافع اصلاح سیستم را بسته است. لذا لغو نظارت استصوابی یکی از راه‌های تقویت همبستگی ملی است.»

در نظر اکثریت جامعه نداشته است، کارکرد اندیشکده‌های حاکمیتی در طی این سال‌ها مشخص بوده است و بخشی از این وضع و حال ناشی از همین تولیداتی است که به صورت سلبی و ایجابی از سوی این اندیشکده‌ها ایجاد شده است.

«چه دلایلی باعث شده در دهه اخیر تعداد اندیشکده‌ها در ایران رشد فزاینده‌ای داشته‌باشد؟

ازنیداد اندیشکده‌ها به این دلیل است که در واقع این نهادها موقعیت‌هایی را فراهم می‌کنند که باند‌ها و گروه‌های ذینفع در قدرت، برای خود و نه برای منافع عموم، منفعی را ایجاد کردند تا بتوانند آن را محافل خود را بازاندیشی کنند و یا دیگر گروه‌های ذینفع و رقیب را به نوعی مورد کنکاش و بازیابی قرار دهند و نفع این کار در نهایت یک نفع دموکراتیک عمومی نیست. در جوامعی که از نظر سیاسی پیشرفته و گسترده هستند، منافع این اندیشکده‌ها چه در قالب انتفاعی و دولتی و چه در قالب غیرانتفاعی و وابسته به احزاب و دانشگاه‌ها، در نهایت به این دلیل که از بودجه عمومی بهره‌مند می‌شوند، و رسانه‌ها نیز امکان نظارت شفاف و روشن از آن‌ها را دارند،

